

بررسی روابط اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس از منظر امنیت انرژی و تاثیر آن بر ایران*

مهدی آقا علیخانی**

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۹/۱۸ و تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۱۲/۱۴)

چکیده

منطقه خلیج فارس از اهمیت بسیاری در معادلات بین المللی به ویژه از منظر انرژی برخوردار است. اهمیت ذخایر و تولید نفت و گاز کشورهای حوزه خلیج فارس موجب پیوند میان امنیت این منطقه با امنیت جهان شده و زمینه حضور و رقابت قدرت های بزرگ را نیز فراهم کرده است. در این راستا اتحادیه اروپا به عنوان دومین مصرف کننده انرژی جهان برای افزایش اثرگذاری بر تحولات بین المللی و منطقه ای، تامین ثبات منطقه ای و رفع نیازهای خود اقدام به برقراری روابط نهادی و توسعه آن با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در زمینه های مختلف از جمله انرژی کرده است. شورای همکاری خلیج فارس نیز از این فرصت برای ارتقای نقش سیاسی- اقتصادی خود در سطوح منطقه ای و بین المللی بهره جسته است. همکاری در حوزه انرژی و امنیت انرژی از مهمترین بخش ها در روابط

* این مقاله برگرفته از طرح تحقیقاتی با عنوان «بررسی روابط اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس و تاثیر آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» است که با حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان انجام پذیرفته و بدین وسیله از این معاونت محترم تشکر و قدردانی می شود.

** عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تاکستان، گروه علوم سیاسی، تاکستان، ایران.

میان طرفین بوده و به رغم برخی چالش‌ها، دستاوردهایی برای آنها به همراه داشته است. همچنین توسعه این روابط موجب حمایت متقابل شورا و اتحادیه از سیاست‌ها و اقدامات یکدیگر از جمله در چالش با ایران همانند طرح اروپا برای تحریم در صنعت نفت و گاز ایران و نیز پذیرش تعهداتی از سوی شورا در زمینه افزایش تولید و صادرات نفت برای توسعه این تحریم‌ها شده است. این مقاله در پی بررسی روابط اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس از منظر انرژی است و اینکه این موضوع به ویژه در شرایط کنونی چه پیامدهایی برای ایران به همراه دارد.

کلید واژگان

اتحادیه اروپا، شورای همکاری خلیج فارس، ایران، امنیت انرژی، ذخایر انرژی، نفت خام.

مقدمه

اتحادیه اروپا^۱ به عنوان یک بازیگر مهم اقتصادی-سیاسی برای ارتقای موقعیت جهانی، تامین نیازها و تسهیل مناسبات سیاسی و اقتصادی خود به گسترش روابط نهادی با کشورها و مناطق مهم جهان از جمله خلیج فارس اقدام کرده است. اهمیت منطقه خلیج فارس همواره موجب حضور مستمر و رقابت قدرت‌های بزرگ در آن شده است. سابقه تاریخی گذشته برخی کشورهای اروپایی و منافع کنونی اتحادیه، سبب ساز رویکرد اتحادیه اروپا به این منطقه و توسعه روابط آن با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس^۲ گردیده است. این روابط نهادی در قالب یک موافقت‌نامه همکاری میان طرفین در اواخر دهه ۱۹۸۰ شکل گرفت و بر این اساس همکاری میان این دو بازیگر در حوزه‌های انرژی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی توسعه یافت. به گونه‌ای که اتحادیه-شورا امروز از شرکای تجاری مهم یکدیگر محسوب می‌شوند. اهمیت منابع انرژی خلیج فارس (۵۹٪ ذخایر نفت و ۴۱/۳٪ ذخایر گاز جهان) در اقتصاد و امنیت انرژی جهان موجب پررنگ شدن موضوع انرژی و امنیت آن در روابط اتحادیه اروپا (دومین مصرف‌کننده بزرگ انرژی جهان) و شورای همکاری خلیج فارس (از مهمترین تولیدکنندگان

^۱ - European Union.

^۲ - Persian Gulf Cooperation Council: PGCC

انرژی جهان) شده است. علاوه بر آن کاهش سهم اروپا از منابع انرژی این منطقه از دهه ۱۹۸۰ به این سو و حضور قدرت های نوظهور اقتصادی جهان در این منطقه برای تامین انرژی مورد نیاز، در کنار اهمیت منابع انرژی خلیج فارس در دهه های آتی و بالا رفتن تقاضا و مصرف جهانی انرژی، به افزایش حساسیت اتحادیه اروپا در قبال این منطقه منجر گردید. از سوی دیگر تیرگی روابط اتحادیه اروپا و ایران طی سال های اخیر موجب نزدیکی و همکاری بیشتر اتحادیه و شورا در حوزه های انرژی و سیاسی شده و کشورمان را نیز از این روابط متأثر ساخته است. همچنین شرایط کنونی جهانی و منطقه ای به پررنگ شدن مساله «امنیت انرژی» در نزد مصرف کنندگان (به ویژه اروپا) و تولیدکنندگان (به ویژه ایران) آن شده است.

هدف از این پژوهش بررسی روابط و مناسبات اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس از منظر انرژی و تاثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران است. سوال اصلی این پژوهش آن است که «مساله انرژی و امنیت آن چه نقشی در روابط اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس دارد و تاثیر آن بر ایران چیست؟» برای پاسخ به این سوال، سوال های فرعی نیز مدنظر است: جایگاه اتحادیه اروپا در ذخایر، تولید و مصرف انرژی جهان به ویژه نفت چگونه است؟ اتحادیه اروپا، شورای همکاری خلیج فارس و ایران چه برداشتی از مفهوم امنیت انرژی دارند؟ سیاست انرژی اتحادیه اروپا چیست و منطقه خلیج فارس از چه اهمیتی در این رابطه برخوردار است؟ روابط اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس از منظر انرژی چگونه بوده و چه اقداماتی در این راستا صورت گرفته است؟ اهداف و چالش های متقابل اتحادیه- شورا در این رابطه چه بوده است؟ این روابط چه تاثیری بر جمهوری اسلامی ایران دارد؟

فرضیه این پژوهش آن است که مساله انرژی و امنیت آن یکی از مهمترین عوامل در آغاز و توسعه همکاری میان اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس بوده است و در شرایط تیرگی روابط ایران با اروپا و همچنین کشورهای عضو شورا، گسترش مناسبات میان اتحادیه-شورا، به تسهیل در روند فشار بر ایران به ویژه در حوزه انرژی منجر خواهد شد.

۱. امنیت انرژی

ساده ترین تعریف از امنیت انرژی^۱، دسترسی و عرضه کافی انرژی در قیمت های معقول می باشد. (۱) در ابتدا منظور از امنیت انرژی طرح مساله تقاضا برای دریافت انرژی نفت توسط کشورهای صنعتی و مصرف کننده بوده است. هدف از امنیت انرژی، تضمین دسترسی جهان غرب به نفت مورد نیاز، از منابع مطمئن، با قیمت نسبتا نازل به طوری که رفاه و منافع ملی کشورهای وارد کننده غربی را در بر داشته باشد. (۲) اما این مفهوم امروزه از دو جهت متحول شده است. اول؛ امنیت انرژی دیگر محدود به نفت نیست و سایر منابع انرژی از جمله گاز طبیعی را نیز در بر می گیرد. و دوم؛ در حالی که پیش از این، مفهوم امنیت انرژی منعکس کننده دغدغه ها و نگرانی های مصرف کنندگان انرژی بود این مفهوم امروزه به ملاحظات صادرکنندگان نفت نیز گسترش یافته است. چرا که «بیشتر تولیدکنندگان انرژی در زمره اقتصادهای تک محصولی و وابسته به فروش نفت محسوب می شوند و هر گونه احتمال کم شدن تقاضا و یا توجه کشورهای توسعه یافته به انرژی های جایگزین و یا ترجیح آنان در تامین نفت و گاز از کشورهای غیر اوپیک به معنای ایجاد مانع در توسعه اجتماعی و رشد اقتصادی این کشورهاست.» (۳)

بنابراین مساله انرژی و امنیت آن همچنان از دو منظر از اهمیت بالایی برخوردار است. از یکسو افزایش وابستگی جهانی به ویژه وابستگی قدرت های بزرگ به منابع انرژی فسیلی (به ویژه نفت و گاز) و از سوی دیگر نیاز کشورهای تولید کننده به فروش این منابع و در نتیجه تاثیر بالای انرژی بر اقتصاد کشورهای تولید کننده و مصرف کننده انرژی.

امنیت انرژی امروز طیف گسترده ای از مباحث شامل افزایش تقاضای جهانی و وابستگی بیشتر به بازارهای تولید، امنیت عرضه، ترانزیت و حفاظت از خطوط لوله، منابع انرژی مطمئن، قیمت های مناسب، تعیین سیاست های انرژی، مسایل زیست محیطی و انرژی جایگزین را در بر می گیرد. براین اساس برخی امنیت انرژی را ترکیبی از امنیت نظامی و امنیت اقتصادی می دانند. امنیت نظامی از حیث عدم تهدید نظامی در حین تولید و حمل و نقل تا رسیدن به مقصد حائز اهمیت می باشد و اهمیت اقتصادی به مسایل سرمایه گذاری مناسب برای تولید، توزیع و همچنین قیمت های متعادل حامل های

^۱ -Energy security

انرژی مربوط می شود. (۴)

امروزه مفهوم امنیت انرژی در چند بعد مورد توجه می باشد: ۱- امنیت فیزیکی با حمایت از زیربنای انرژی، زنجیره عرضه و مسیر تجارت؛ ۲- دسترسی به انرژی؛ ۳- «سیستمی بودن»، یعنی امنیت انرژی یک سیستم شامل سیاست های ملی و نهادهای بین المللی است که برای پاسخ به قطع، جابجایی، رخدادهای غیرمنتظره و نیز کمک به حفظ ثبات جریان عرضه از طریق همکاری و هماهنگی طراحی شده اند و ۴- «سرمایه گذاری»، یعنی امنیت انرژی نیازمند پیشبرد سرمایه گذاری و توسعه برای اطمینان از عرضه کافی و ایجاد ساختارهای در دسترس می باشد. (۵)

بنابراین امنیت انرژی شامل دغدغه های توأم تولید کنندگان و مصرف کنندگان انرژی می باشد. در حالی که یک طرف خواهان امنیت تقاضا و تنوع مبادی صادرات و دیگری خواهان امنیت عرضه و تنوع مبادی واردات است، هر دو گروه بر ثبات بازار انرژی، قیمت های معقول و مناسب، جریان آزاد انرژی و سرمایه گذاری در این حوزه به عنوان شاخص های مهم امنیت انرژی تاکید دارند.

۲. امنیت انرژی از منظر اتحادیه اروپا

امنیت انرژی برای اتحادیه اروپا به عنوان دومین مصرف کننده بزرگ انرژی جهان با توجه به اینکه بخش قابل ملاحظه ای از این مصرف از طریق واردات تامین می شود، از اهمیت بالایی برخوردار است. از مهمترین اسناد اتحادیه اروپا در زمینه امنیت انرژی می توان «سند سبز انرژی»^۱ در سال ۲۰۰۰ را مورد اشاره قرار داد. در این سند با اشاره به مصرف روزافزون انرژی در اروپا و وابستگی روزافزون اتحادیه به واردات انرژی، نقطه ضعف اروپا، فقدان قدرت چانه زنی در بازار انرژی عنوان گردید. در توصیه های این سند، علاوه بر طرح موضوعاتی چون لزوم تغییر در رفتار مصرف کنندگان و صرفه جویی و حفظ انرژی، تنوع در بهره گیری از منابع مختلف انرژی، دغدغه های زیست محیطی از جمله موضوع تغییرات آب و هوایی مورد توجه قرار گرفت. (۶)

در سال ۲۰۰۶ نیز سند سبز برای تامین انرژی به صورت «ایمن»، «رقابتی» و «پایدار» برای اروپا به تصویب وزیران انرژی اتحادیه رسید. این سند ضمن اشاره به اهداف و اولویت های سند سبز سال

^۱ -Green paper

۲۰۰۰، تدوین یک سیاست خارجی مشترک و منسجم در زمینه انرژی و همچنین ایجاد همگرایی بیشتر در بازار برای امنیت عرضه انرژی را مورد توجه قرار داد. مطابق سند سبز ۲۰۰۶ برای تامین امنیت انرژی با سه هدف فوق الذکر چند اقدام باید صورت گیرد:

۱- اتخاذ یک سیاست خارجی انرژی مشترک برای مواجهه با چالش هایی چون افزایش قیمت انرژی، افزایش وابستگی به انرژی، افزایش تقاضای جهانی انرژی و... و همکاری جدید انرژی میان اروپا و تولید کنندگان انرژی؛ ۲- اتخاذ یک برنامه استراتژیک در زمینه تکنولوژی انرژی برای استفاده مطلوب از منابع موجود؛ ۳- کاهش مصرف انرژی به میزان ۲۰٪ تا سال ۲۰۲۰ و ۴- بهره گیری از منابع متنوع انرژی به ویژه منابع تجدیدپذیر. (۷)

در مجموع براساس اسناد، راهکارها و سیاست های اتحادیه، تامین امنیت انرژی از سوی اروپا را می توان در تحقق چند هدف عمده دانست:

۱- اتخاذ سیاست انرژی مشترک و همکاری انرژی میان اروپا و تولید کنندگان انرژی؛

۲- تنوع بخشی به منابع انرژی و کشورهای عرضه کننده انرژی؛

۳- کاهش مصرف انرژی فسیلی و بهره گیری از انرژی های تجدید پذیر.

۳. جایگاه اروپا در ذخائر، تولید و مصرف نفت خام جهان

برای درک بهتر موضوع امنیت انرژی از منظر اتحادیه اروپا، شناخت کامل پیرامون جایگاه اروپا از نظر ذخائر، تولید و مصرف نفت (شامل مصرف، میزان وابستگی اروپا به انرژی به ویژه نفت و سهم نفت در منابع انرژی مصرفی اتحادیه اروپا) اهمیت دارد.

الف. ذخائر و تولید

کشورهای اروپایی با ۱۳/۵۳۲ میلیارد بشکه نفت در ردیف فقیرترین کشورهای جهان به لحاظ ذخائر نفت می باشند و با توجه به این ذخائر اندک، تولید نفت کشورهای این اتحادیه بسیار محدود می باشد.^۱ به گونه ای که نروژ و انگلستان به ترتیب با ۲/۳۴۲ و ۱/۴۴۸ میلیون بشکه تولید در روز عمده

^۱ - اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۰، ۱۴٪ از نفت مورد نیازش را خود تولید می کرد که این رقم در سال ۲۰۰۹ به ۱۳٪ کاهش یافته است و تا سال ۲۰۲۰ این درصد با کاهش چشمگیری همراه خواهد بود.

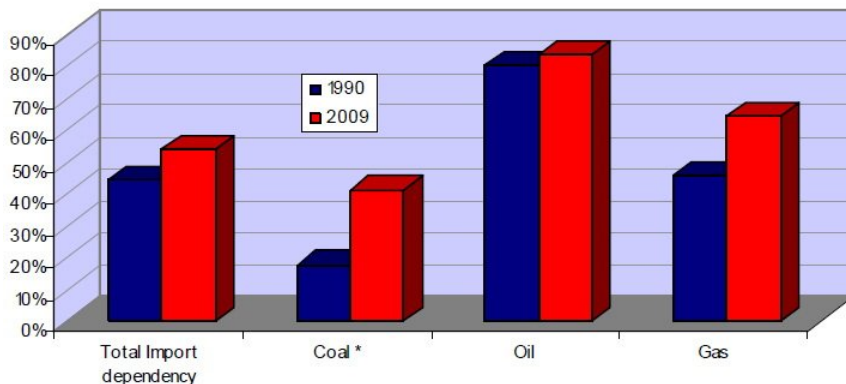
ترین تولید کنندگان در اروپا هستند. (۸) و تولید سه کشور بعدی یعنی دانمارک، آلمان و ایتالیا به ترتیب ۲۶۲، ۱۵۶ و ۱۴۶ هزار بشکه در روز می باشد.

ب. میزان مصرف نفت خام در اتحادیه اروپا

آمار حاکی از روند آرام کاهش مصرف نفت در اروپا می باشد. میزان مصرف نفت در اتحادیه طی سال های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ به ترتیب ۱۵،۱۰۱، ۱۵،۱۰۳، ۱۴،۸۰۱، ۱۴،۷۵۷، ۱۴،۰۱۶ و ۱۳،۸۹۰ میلیون بشکه در روز بوده است. (۹) اتحادیه اروپا با این میزان از مصرف نفت خام، پس از ایالات متحده (۱۸/۶۸۶ میلیون بشکه در روز در ۲۰۱۰) دومین مصرف کننده بزرگ نفت در جهان محسوب می شود.

پ. میزان وابستگی اروپا به انرژی به ویژه نفت

کشورهای اروپایی از جمله آسیب پذیرترین کشورها در وابستگی به نفت خام می باشند و مجموع وابستگی اتحادیه به نفت ۸۳،۵٪ می باشد. براساس آمار موجود وابستگی اروپا به نفت و سایر منابع انرژی نسبت به دهه ۱۹۹۰ با افزایش همراه بوده است. کمیسیون اروپا در سند سبز خود پیش بینی کرده است که تا سال ۲۰۳۰ میزان واردات نفت اتحادیه اروپا به ۹۰٪ (۱۰) و میزان واردات گاز اتحادیه به ۸۰٪ افزایش خواهد یافت. نمودار زیر میزان وابستگی اتحادیه اروپا به واردات نفت، گاز و زغال سنگ را در دو دوره متفاوت نشان می دهد: (۱۱)



ت. سهم نفت در منابع انرژی مصرفی اتحادیه اروپا

نفت بالاترین و مهمترین سهم را در منابع انرژی مصرفی اتحادیه اروپا دارد به گونه ای که در دهه

۱۹۹۰، سهم نفت در منابع انرژی اروپا ۳۸٪ و در سال ۲۰۰۹، ۳۷٪ بوده است. (۱۲) هرچند براساس پیش بینی کمیسیون اروپایی تا سال ۲۰۳۰ سهم نفت باید به ۳۳ درصد کاهش یابد، اما کاهش تولید نفت خام اروپا به ویژه در دریای شمال تا سال ۲۰۲۰، میزان وابستگی اتحادیه به واردات نفت خام و گاز طبیعی را افزایش خواهد داد.

۴. سیاست انرژی اتحادیه اروپا

بحران های نفتی دهه ۱۹۷۰ موجب جلب توجه اروپا به سیاست انرژی شد. پس از آن نیز افزایش قدرت اقتصادی اتحادیه و افزایش تقاضای مصرف انرژی، رقابت با سایر مصرف کنندگان انرژی، بی ثباتی و فقدان اعتماد نسبت به صادرکنندگان انرژی (خاورمیانه و روسیه)، بحران اقتصادی جهانی و بی ثباتی های اخیر در منطقه خاورمیانه باعث شده است تا اتحادیه اروپا تلاش کند سیاست های اعضای خود را پیرامون موضوع انرژی همچون سیاست های مشترک در حوزه های اقتصادی و تجاری، هماهنگ سازد. در این راستا سیاست انرژی اتحادیه اروپا نه تنها ابعاد اقتصادی و تکنولوژیک، بلکه ابعاد سیاسی و امنیتی را نیز مدنظر قرار داده است.

اتحادیه اروپا هم اکنون حدود ۵۰ درصد انرژی فسیلی خود (از جمله ۸۳/۵ درصد نفت مورد نیاز) را وارد می کند که این میزان تا سال ۲۰۳۰ به ۷۰ درصد (نفت به ۹۰ درصد) افزایش خواهد یافت. این افزایش تقاضا در کنار کاهش تولید نفت این اتحادیه به ویژه در منطقه دریای شمال تا سال ۲۰۲۰ موجب افزایش بیش از پیش وابستگی اتحادیه به واردات انرژی های فسیلی به ویژه نفت خواهد شد. این در حالی است که هم اکنون اتحادیه اروپا در زمینه واردات نفت و گاز به کشور روسیه و نیز منطقه خاورمیانه وابسته است. مناطقی که حدود ۷۰٪ از ذخائر نفت و گاز جهان در آن واقع شده است. (۱۳) در این رابطه اتحادیه اروپا در وضعیتی آسیب پذیر قرار دارد زیرا واردات انرژی این اتحادیه عمدتاً از مناطقی است که فاقد عناصری چون پایداری، اطمینان و اعتماد در فرآیند صدور انرژی هستند. خاورمیانه به عنوان کانون اصلی بحران های بین المللی و روسیه به عنوان کشوری که از صدور انرژی خود به بازارهای مصرف انرژی بهره گیری سیاسی و امنیتی می نماید، دو نمونه مهم در این رابطه هستند. (۱۴) اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۹، ۳۵٪ از نفت مورد نیاز خود را از کشورهای عضو اوپک و عمدتاً

کشورهای خاورمیانه تامین کرده است. لیبی، عربستان، ایران، عراق و نیجریه از جمله عمده ترین صادرکنندگان نفت به اتحادیه اروپا هستند. (۱۵) لیبی پس از جنگ داخلی و سرنگونی معمر قذافی همچنان بی ثبات است. وقایع لیبی در کنار بحران اقتصادی جهان، آژانس بین المللی انرژی را وادار به صدور اجازه به کشورهای عضو (که عمدتاً اروپایی هستند) برای استفاده از ذخائر استراتژیک خود کرد. پیش بینی ها در خصوص افزایش تولید نفت عراق همچنان محقق نشده است. از سوی دیگر چالش در روابط ایران و قدرت های جهانی موجب طرح تحریم نفت ایران از سوی اتحادیه اروپا تا نیمه سال ۲۰۱۲ شده است. این در حالی است که «کشورهای عضو اتحادیه اروپا در نیمه اول سال ۲۰۱۱ حدود ۱۸ درصد از نفت صادراتی ایران را که معادل ۴۵۰ هزار بشکه در روز می شود، خریداری کرده اند.» (۱۶) همه این مسایل در کنار موضوعاتی چون تروریسم و بی ثباتی در کشورهای منطقه، حاکی از ناپایداری منطقه خاورمیانه به عنوان یکی از تامین کنندگان عمده نفت اتحادیه اروپاست و موجب شده است تا اتحادیه بیش از گذشته موضوع امنیت انرژی را در صدر دستور کار خود قرار دهد. البته اروپا در واکنش به هر کدام از این دلایل به اقدامات، راهکارها و سیاست های مختلفی در درون اتحادیه و یا همراه با سایر مصرف کنندگان عمده نفت دست زده است. ایجاد آژانس بین المللی انرژی، تدوین منشور انرژی، تصویب سند سبز انرژی، ایجاد گفتگوهای نهادی با تولیدکنندگان انرژی به ویژه سازمان اوپک و شورای همکاری خلیج فارس، بهره گیری از ناتو و ... نمونه هایی از این اقدامات و سیاست ها می باشند.

۵. روابط اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس

اهمیت سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی منطقه خاورمیانه به ویژه منطقه خلیج فارس دلایل و ضرورت های کتمان ناپذیر برای توجه قدرت های بزرگ از جمله اروپا به این مناطق داشته است. هرچند اروپا از زمان خروج انگلستان از منطقه و آغاز سلطه ایالات متحده بر آن همواره متأثر از وقایع و بحران های این منطقه بوده است، اما به رغم نزدیکی جغرافیایی این مناطق به اروپا و سوابق تاریخی برخی کشورهای اروپایی در خلیج فارس، روابط نهادی میان این اروپا و خلیج فارس از قدمت زیادی برخوردار نیست.

اتحادیه اروپا به لحاظ نهادی از سابقه طولانی تری نسبت به شورای همکاری خلیج فارس برخوردار

است. این شورا در سال ۱۹۸۱ توسط ۶ کشور عربی منطقه خلیج فارس (عربستان سعودی، امارات متحده عربی، بحرین، کویت، عمان و قطر) با اولویت مسایل امنیتی تاسیس شد اما به تدریج همگرایی اقتصادی در آن اهمیت والایی یافت. در صدر اهداف اقتصادی شورا علاوه بر ایجاد منطقه آزاد تجاری میان اعضا و تقویت چانه زنی در مذاکره با شرکای خارجی، موضوعات انرژی از جمله اتخاذ سیاست های نفتی مشترک، هماهنگی سیاست های صنعتی در تولیدات مبتنی بر نفت و ... به چشم می خورد. بنابراین با توجه به رویکرد اتحادیه اروپا در تامین منافع خود از جمله از طریق روابط با سایر سازمان های بین المللی و منطقه ای، ایجاد شورای همکاری خلیج فارس فرصتی برای همکاری دو سازمان فراهم کرد. در سال ۱۹۸۵ مقامات جامعه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس موافقت کردند تا در زمینه یک توافق نامه تجاری با یکدیگر همکاری کنند. این امر در قالب مذاکره و امضای موافقت نامه همکاری میان اروپا و شورای همکاری خلیج فارس در اواخر دهه ۱۹۸۰ کامل گردید. (۱۷) این توافق نامه شامل همکاری در زمینه های مختلف از جمله انرژی بود. براین اساس در ماده ۶ این موافقت نامه آمده بود: طرفین قرارداد در زمینه انرژی کوشش می کنند برای تشویق و تسهیل؛ همکاری میان دو منطقه با تعهدات انرژی کشورهای عضو، ارزیابی مشترک تجارت میان دو منطقه در زمینه های نفت خام، گاز طبیعی و تولیدات نفتی و تحلیل راه ها و ابزار بهبود مبادلات تجاری، تبادل دیدگاه ها و اطلاعات درباره مسایل مرتبط با انرژی به طور عام و احترام به سیاست های انرژی، آموزش و مطالعه به ویژه درباره منابع جدید و تجدیدپذیر انرژی. (۱۸) این موافقت نامه اولین قرارداد اتحادیه اروپا با یک سازمان عربی در زمینه همکاری های فنی و اقتصادی در حوزه های انرژی، صنعت، تجارت، خدمات، کشاورزی، ماهیگیری، سرمایه گذاری، تکنولوژی، آموزش و محیط زیست بوده است. ضمن آنکه یکی از اهداف عمده در توافقات و همکاری میان طرفین، مذاکره برای منطقه تجارت آزاد^۱ می باشد. به رغم انعقاد این موافقت نامه و توافق برای نشست های سالانه وزرای امور خارجه کشورهای اروپا و شورای همکاری خلیج فارس، روابط روند کندی را دنبال می کرد. از جمله مواردی که در آغاز همکاری موجب عدم توافق طرفین بود به منشور انرژی اروپا در سال ۱۹۹۱ باز می گشت که حکایت از تلاش اروپا برای

^۱ -Free Trade Agreement: FTA

کاهش وابستگی به نفت و طرح ایده مالیات کربن^۱ داشت. با این حال در ادامه، حوزه انرژی به یکی از زمینه‌های موفق همکاری میان طرفین بدل شد.

برای درک بهتر رویکرد اروپا به منطقه خلیج فارس و ایجاد روابط دوجانبه و نهادی با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از منظر انرژی و اهمیت این منطقه و کشورهای آن برای اتحادیه اروپا، شناخت جایگاه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در زمینه منابع انرژی مهم است. ضمن آنکه جایگاه ایران و عراق به عنوان دو کشور دیگر در حوزه خلیج فارس که از مهمترین کشورهای برخوردار از ذخائر انرژی محسوب می‌شوند نیز مورد اشاره قرار می‌گیرد.

منطقه خلیج فارس با برخورداری از حدود ۷۸۹ میلیارد بشکه ذخائر نفتی (حدود ۵۹ درصد ذخائر نفت خام جهان) مهمترین و بزرگترین حوزه نفتی جهان بشمار می‌آید. ضمن آنکه این منطقه حدود ۴۱/۳ درصد از کل ذخائر گاز جهان را نیز در اختیار خود دارد. علاوه بر این، آنچه که اهمیت این منطقه و کشورهای آن را دو چندان می‌کند این نکته است که در آینده تقاضا برای نفت خلیج فارس رو به فزونی خواهد گذاشت و با کاهش منابع نفتی دریای شمال، آمریکای شمالی و حتی روسیه، باقیمانده منابع نفتی خلیج فارس در سال ۲۰۲۰، حدود ۸۰ درصد و در سال ۲۰۳۰، حدود ۹۵ درصد ذخائر نفت جهان را تشکیل خواهد داد. از این موضوع اهمیت اوپک، منطقه خلیج فارس و به ویژه ۵ کشور عربستان، ایران، عراق، امارات و کویت در دهه‌های آینده روشن می‌شود. (۱۹) از سوی دیگر براساس آمار فوق می‌توان به جایگاه مهم کشورهای حوزه خلیج فارس در اقتصاد جهان و نیز مساله امنیت انرژی جهان اشاره کرد که نه تنها موجب پیوند مسایل و امنیت این منطقه با مسایل و امنیت بین‌المللی شده است بلکه منطقه خلیج فارس را به عرصه‌ای برای حضور و رقابت بازیگران مهم جهانی تبدیل کرده است.

برای فهم بهتر این موضوع مراجعه به جدول زیر در زمینه بیان ذخائر اثبات شده و میزان تولید نفت و گاز کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به همراه کشورهای ایران و عراق ضرورت دارد: (۲۰) و (۲۱)

^۱ - Carbon Tax

کشور	ذخائر نفت میلیارد بشکه	درصد از کل جهان	تولید میلیون بشکه در روز	در صد از کل جهان	ذخائر گاز تریلیون متر مکعب	درصد	تولید میلیون متر مکعب	درصد
عربستان سعودی	۲۶۴,۵۱۶	۱۹,۸	۹,۷۱۳	۱۲	۷,۹۲	۴,۲	۷۷,۵	۰,۴
ایران	۱۵۱,۱۷۰	۱۱,۲۵	۴,۲۱۶	۵,۳	۲۹,۶۱	۱۵,۸	۱۳۱,۲	۴,۴
عراق	۱۴۳,۱۰۰	۱۰,۵	۲,۴۸۲	۳,۲	۳,۱۷	۱,۷	-	-
کویت	۱۰۱,۵	۷,۵	۲,۴۸۲	۳,۲	۱,۷۸	۱	۱۲,۵	۰,۴
امارات متحده عربی	۹۷,۸	۷,۳	۲,۵۵۹	۳,۲	۶,۴۳	۳,۴	۴۸,۸	۱,۶
قطر	۲۵,۳۸۲	۲	۱,۳۴۵	۱,۵	۲۵,۳۷	۱۳,۵	۸۹,۳	۳
عمان	۵,۵	۰,۴	۸۱۰	۱	۰,۹۸	۰,۵	۲۴,۸	۰,۸
بحرین	-	-	-	-	۰,۰۹	۰,۱	۱۲,۸	۰,۲

تبدیل شدن شورای همکاری خلیج فارس به یک بازیگر در عرصه اقتصاد جهانی، پیوند و مناسبات حسنه با غرب و از این منظر شریک نسبتا قابل اعتماد در عرضه انرژی، برخورداری شورا از بالغ بر ۳۷ و ۲۲ درصد از ذخائر نفت خام و گاز طبیعی جهان، روند رو به افزایش اهمیت صادرات انرژی از سوی این کشورها در آینده و تداوم اهمیت سوخت فسیلی توجیهات مناسبی برای تقویت روابط میان اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس است. (۲۲)

البته مناطق خاورمیانه و خلیج فارس از مهمترین منابع تامین انرژی نفت اتحادیه اروپا می باشند و هرگونه بی ثباتی و یا اختلال در روند صادرات این کشورها، اروپا و سایر واردکنندگان انرژی را تحت تاثیر قرار می دهد. به طور مشخص میزان واردات نفت کشورهای عضو اتحادیه اروپا به طور مستقیم از کشورهای حوزه خلیج فارس طی سال های ۲۰۰۷ تا سه ماهه اول سال ۲۰۱۱ به شرح زیر است: (۲۳)

درصد واردات نفت اتحادیه اروپا از کشورهای حوزه خلیج فارس

کشور / سال	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱
عربستان سعودی	۷,۱۰	۶,۷۸	۵,۶۳	۶,۰۱	۶,۷۱
ایران	۵,۸۴	۴,۹۲	۴,۶۵	۵,۶۶	۴,۳۹
عراق	۳,۵۰	۳,۵۲	۳,۷۸	۳,۱۵	۱,۹
کویت	۱,۱۳	۱,۰۴	۰,۷۵	۰,۶۶	۰,۶۸
امارات متحده عربی	۰,۲۸	۰,۱۳	۰,۰۵	۰,۰۹	۰,۰۵
عمان	۰,۰۲	۰,۰۴	-	۰,۰۳	۰,۰۱

هرچند میزان واردات نفت اتحادیه اروپا از منطقه خلیج فارس در مقایسه با روسیه و خاورمیانه و شمال آفریقا بالا نیست اما دو مساله بر اهمیت این منطقه برای اروپا افزوده است. اول ذخائر این مناطق نسبت به ذخائر کل جهان در دهه های آینده و عمیق شدن وابستگی اروپا به منابع نفت خلیج فارس و دوم پتانسیل افزایش پیوند میان دو منطقه به واسطه سهم اندک کنونی اروپا از نفت خلیج فارس. چرا که این نکته باید مورد توجه قرار گیرد که «در دهه ۱۹۸۰ دو سوم نفت خاورمیانه و منطقه خلیج فارس به اتحادیه اروپا و آمریکا صادر می شد اما در سال ۲۰۰۴ این رقم به یک سوم کاهش یافت.» (۲۴)

البته تمایل به افزایش پیوندها در حوزه های مختلف به ویژه انرژی تنها از منظر اتحادیه اروپا نیست و این تمایل از سوی شورای همکاری خلیج فارس نیز وجود دارد. چرا که همانگونه که در مبحث امنیت انرژی اشاره شد، این مفهوم امروز نه تنها منعکس کننده دغدغه ها و نگرانی های مصرف کنندگان انرژی است، بلکه به ملاحظات صادرکنندگان نفت نیز گسترش یافته است. کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به شدت به صادرات نفت و گاز وابسته هستند. با قرار گرفتن این کشورها در گروه کشورهای با اقتصاد تک محصولی، تداوم تقاضا برای انرژی، افزایش سرمایه گذاری در این حوزه و دسترسی به بازارهای بین المللی شاخص های تامین امنیت انرژی محسوب می شوند. تشکیل شورای همکاری خلیج فارس موجب شده است تا کشورهای عضو در زمینه انرژی نیز به هماهنگ کردن سیاست ها اقدام کنند و ضمن تامین منافع خود، امنیت انرژی از منظر تولید کنندگان آن را بالا ببرند. حفظ قیمت های انرژی و نگرانی درخصوص حفاظت از منابع انرژی از دیگر موضوعات مورد توجه شورا

در ارتباط با شرکای تجاری خود است.

۶. اقدامات مشترک اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس

از زمان آغاز همکاری های نهادی اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس، به رغم برخی چالش ها و روند کند همکاری به واسطه برخی موانع، اهداف و نیات مشترک و خاص طرفین موجب گردید همکاری در روندی آرام گسترش یافته و اقدامات متعددی صورت گیرد.

براساس موافقت نامه اولیه، دو رکن اجرایی شکل گرفت. رکن اول در سطح استراتژیک که شامل نشست وزیران و شورای مشترک بود. و رکن دوم در سطح عملیاتی شامل یک گروه از کارشناسان انرژی که کار خود را در آغاز دهه ۱۹۹۰ آغاز کرد. در این دهه اتحادیه به تعقیب سیاست جدید مدیترانه ای پرداخت و در قالب سیاست روابط اروپا-مدیترانه تلاش کرد روابط با شورای همکاری خلیج فارس را در این چارچوب گسترش دهد. اما این ابتکار منجر به تحولی مهم در همکاری میان طرفین نشد. در می ۲۰۰۲ نشست مشترک طرفین در مرکز اماراتی تحقیقات و مطالعات راهبردی در زمینه های مختلف از جمله انرژی توافقات و توصیه هایی برای توسعه روابط اتحادیه-شورا داشت. براین اساس در این نشست بر این موارد تاکید شد: تعیین قیمت نفت توسط بازار؛ قیمت معقول نفت از یک سو نه خیلی کم که هم حفاظت از منابع انرژی اثر گذار و تعقیب سیاست انرژی جایگزین را کند نماید و از سوی دیگر نه خیلی زیاد که موجب کند کردن روند توسعه اقتصادی شود؛ پذیرش امنیت عرضه به عنوان نتیجه بازار قابل اعتماد و قیمت های باثبات؛ انتقال گاز شورای همکاری خلیج فارس به شرکای اروپا در مدیترانه و سپس به اروپا و سرمایه گذاری طرفین در صنایع نفتی و پالایشگاه های یکدیگر. (۲۵) در زمینه سرمایه گذاری متقابل اعتقاد کمیسیون اروپایی این بود که: حقایق موجود در زمینه وابستگی متقابل به انرژی از طریق سرمایه گذاری مشترک تقویت می شود. این امر از طریق سرمایه گذاری بیشتر شورای همکاری خلیج فارس در فعالیت های پالایشی و پایین دستی اتحادیه اروپا و نیز سرمایه گذاری اتحادیه اروپا در فعالیت های بالا دستی و پایین دستی انرژی یا وابسته به انرژی صورت می گیرد. به این ترتیب سرمایه گذاری مشترک به تضمین و حفاظت از منابع آینده انرژی برای اتحادیه اروپا کمک و در جهت منافع این اتحادیه خواهد بود. (۲۶)

افزایش قیمت نفت در سال ۲۰۰۳ و سپس بهره‌گیری روسیه از اهرم انرژی در مواجهه با اروپا نه تنها امنیت انرژی را در صدر دستور کار اتحادیه قرار داد بلکه موجب تمرکز بیشتر اتحادیه اروپا بر موضوع انرژی در رابطه با شورای همکاری خلیج فارس شد. در آغاز، گفتگوی انرژی اتحادیه-شورا پیامدهای اندکی از جمله ابتکار کمیسیون اروپا در زمینه یک مرکز فنی انرژی در عربستان سعودی داشت. اما در نشست شورای مشترک اتحادیه-شورا^۱ در سال ۲۰۰۶، توافقنامه‌ای درباره انرژی مشابه موافقت نامه اتحادیه با کشورهای اوکراین، آذربایجان و قزاقستان امضا شد. (۲۷) این امر مقارن بود با استراتژی مشارکت جدید اتحادیه اروپا با خاورمیانه و مدیترانه و حمایت کمیسیون اروپا از ساخت خطوط لوله از میان شبه جزیره عرب برای کاهش میزان نفتی که باید از طریق تنگه هرمز عبور کند. هرچند عدم توافق طرفین بر سر موافقت نامه تجارت آزاد موجب پیامد منفی بر برخی همکاری‌ها شده بود، کمیسر روابط خارجی اتحادیه اروپا «بنیتا فررو والدنر»^۲ در بازدید از کشورهای منطقه خلیج فارس در سال ۲۰۰۸ خواهان امضای موافقت نامه تجارت آزاد به واسطه اهمیت نگرانی‌ها در زمینه انرژی شد. (۲۸)

اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس همچنین در زمینه مسایلی چون تغییرات اقلیمی و انرژی تجدیدپذیر مذاکرات و همکاری‌های گسترده‌ای داشته‌اند. در هفدهمین جلسه کمیته مشترک همکاری EU-PGCC در مارس ۲۰۰۶ موضوع پیشبرد سیاست کارایی انرژی و نیز منابع انرژی تجدیدپذیر در کشورهای عضو شورا مطرح شد. به همین دلیل در نشست کارشناسان اتحادیه-شورا درباره تغییرات اقلیمی در ژانویه ۲۰۰۷ در بروکسل بر اهمیت پروژه سازوکار توسعه پاک^۳ برای اعضای شورای همکاری خلیج فارس به ویژه در حوزه‌های تکنولوژی، تولید انرژی، حفاظت و کارایی انرژی، پالایش نفت خام، صنایع پتروشیمی و... تاکید شد. به همین ترتیب در نشست اتحادیه-شورا درباره تغییرات اقلیمی در فوریه ۲۰۰۸ نیز بر همکاری برای تکنولوژی بهتر و روند انتقال انرژی تمرکز شد. (۲۹)

ضمن آنکه در این حوزه پروژه ایجاد و بهره‌برداری از یک شبکه انرژی پاک اتحادیه اروپا و شورای

^۱ - EU-PGCC joint council

^۲ - Benita Ferrero-Waldner

^۳ - Clean Development Mechanism: CDM

همکاری خلیج فارس مطرح شد که هدف عمده آن ایجاد و تسهیل بهره برداری از یک شبکه انرژی اتحادیه-شورا^۱ و هماهنگی و همکاری در زمینه انرژی و جنبه های تکنولوژی آن بود. در بیستمین نشست وزیران شورای مشترک اتحادیه-شورا در ژوئن ۲۰۱۰ از شبکه انرژی پاک استقبال شد. پنج حوزه تمرکز این شبکه شامل: ۱- منابع انرژی تجدیدپذیر؛ ۲- مدیریت تقاضای انرژی و عرضه انرژی؛ ۳- گاز طبیعی پاک و تکنولوژی پاک؛ ۴- ادغام بازار و به هم پیوستگی انرژی برق؛ و ۵- جذب و ذخیره کربن^۲ (۳۰) می باشد. مهمترین بخش همکاری نیز مدیریت تقاضای عرضه و عرضه انرژی بوده است. به ویژه با توجه به این که شورای همکاری خلیج فارس با افزایش تقاضای انرژی و نیز نگرانی در زمینه مسایل زیست محیطی مواجه است.

۷. اهداف و چالش های متقابل در روابط اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس از منظر انرژی

اهمیت منطقه خلیج فارس از دیرباز موجب جلب توجه قدرت های بزرگ به این منطقه شده است. به طور مشخص از منظر اقتصادی به ویژه حوزه انرژی اتحادیه اروپا اهداف زیر را در قبال شورای همکاری خلیج فارس دنبال می کند:

۱- تامین ثبات بلند مدت در منطقه و جلوگیری از هرگونه تهدید نسبت به قطع عرضه نفت و گاز و به خطر افتادن اقتصاد جهانی.

۲- اطمینان از ثبات عرضه نفت و گاز به قیمت مناسب از طریق گفتگو با تمرکز بر حفظ بازار و بهبود و ثبات قیمت انرژی.

۳- سرمایه گذاری در بخش های نفت و گاز کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و توسعه مسیر عرضه گاز طبیعی به اتحادیه اروپا. (۳۱)

۴- تلاش اروپا برای تنوع بخشی به مبادی انرژی با توجه به عدم تناسب میان انرژی تولیدی و مصرفی

^۱ - EU-PGCC Clean Energy Network

^۲ - Carbon Capture and Storage: CCS

در اروپا و وابستگی اتحادیه به واردات انرژی.

۵- توسعه روابط با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در زمینه انرژی با عنایت به بی اعتمادی نسبت به روسیه، تداوم بی ثباتی در عراق، بحران در لیبی و تقابل با ایران بر سر پرونده هسته ای. چرا که تقویت روابط اتحادیه-شورا، موجب ثبات و امنیت بیشتر در صدور انرژی از خلیج فارس به اروپا می شود.

۶- میزان ذخائر کنونی نفت و گاز کشورهای عضو شورا و نیز ذخائر بسیار زیاد کشورهای حوزه خلیج فارس به نسبت کل جهان طی سال های ۲۰۲۰ و ۲۰۳۰.

۷- حمایت از توسعه در شورای همکاری خلیج فارس در زمینه های تنوع اقتصادی، سرمایه گذاری و آموزش چرا که از یک سو از منظر اتحادیه موفقیت کشورهای عضو شورا بر کشورهای همسایه از جمله در منطقه مدیترانه آثار مثبت دارد و از سوی دیگر این دو گروه به شرکای مهم تجاری بدل می شوند.

۸- ثبات و یکپارچگی قلمرو هر کدام از دولت های منطقه در مرزهای کنونی خود و ایجاد یک مکانیسم مسالمت آمیز برای حل مناقشات.

۹- تشویق نظام های سیاسی عضو شورا به اصلاحات سیاسی و اقتصادی و اهمیت این موضوع برای امنیت عرضه انرژی در بلندمدت.

۱۰- مذاکره و اقدام برای ایجاد خطوط لوله صادرات گاز از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به شرکای اتحادیه اروپا در مدیترانه و اتصال آن به اتحادیه برای تنوع بخشی به منابع عرضه کننده گاز به اروپا.

۱۱- تشویق شورای همکاری خلیج فارس به رعایت مسایل زیست محیطی و کاهش انتشار گازهای گلخانه ای و همکاری در زمینه انرژی پاک.

۱۲- همکاری در زمینه منابع انرژی تجدیدپذیر و پتانسیل کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در صادرات انرژی خورشیدی به اروپا.

۱۳- تقاضای افزایش تولید نفت برای رفع چالش های احتمالی در زمینه تحریم نفت ایران. کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نیز از منظر انرژی اهدافی را در چارچوب روابط با اتحادیه اروپا دنبال می کنند. از جمله این اهداف که برخی از آنها در اشتراک با اتحادیه است، می توان به موارد زیر

اشاره کرد:

۱- از طریق آزادسازی تجارت صادرات امن و ضمانت شده محصولات نفتی را با معافیت از حقوق گمرکی به اتحادیه اروپا صورت دهند.

۲- سرمایه گذاری اروپایی ها در کشورهای شورا منجر به انتقال تکنولوژی می شود و به این کشورها کمک می کند اقتصاد خود را متنوع تر کنند و وابستگی خود به قیمت های جهانی نفت را کاهش دهند. (۳۲)

۳- پیشبرد تامین امنیت انرژی و ثبات در محیط پیرامون.

۴- استمرار تقاضا برای منابع نفت و گاز و بهینه سازی صادرات اعضا به ویژه از منظر تنوع بخشیدن به اقتصاد خود.

۵- جلب سرمایه گذاری طرف ها و شرکت های اروپایی.

۶- همکاری در زمینه سیاست انتقال انرژی.

۷- باتوجه به مصرف بالای انرژی در کشورهای شورا، توسعه تکنولوژی در زمینه انرژی تجدیدپذیر از طریق همکاری با اروپا برای ارتقای کارایی انرژی و مصرف عقلانی انرژی که خود منجر به افزایش عمر ذخایر انرژی کشورهای عضو شورا خواهد شد.

۸- بهره گیری از مزیت اقتصادی و انرژی و روابط سیاسی حسنه با غرب در جلب حمایت اتحادیه در موضوعات مورد مناقشه با ایران.

به رغم تمایل و اقدامات متعدد طرفین برای توسعه روابط، برخی چالش ها موجب گردیده تا اتحادیه اروپا نتواند به تحقق کامل اهداف و منافع خود در منطقه خلیج فارس نایل آید. از این جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- اتحادیه اروپا فاقد سیاست انرژی مشترک برای یک دوره طولانی بوده است و تلاش های جدی برای اتخاذ این سیاست مشترک به رغم وقوع بحران ها و چالش های تاریخی، به میانه دهه اول قرن بیست و یکم باز می گردد. با توجه به اولویت های خاص هر کشور عضو و روابط دو جانبه همچنان برخی ناهماهنگی ها در سیاست های اتحادیه و کشورهای عضو آن وجود دارد.

۲- بازار نفت و گاز خلیج فارس محدود به اروپا نیست و اقتصادهای نوظهور و تازه صنعتی شده چون

چین و هند به بازارهای جدید و البته بلند مدت برای منابع انرژی منطقه بدل شده اند. قدرت یابی چین و هند موجب فشار بر تقاضای جهانی انرژی و رقابت آنها با سایر کشورهای صنعتی برای فعالیت و سرمایه گذاری در بخش انرژی منطقه و نیز رقابت بر سر تامین انرژی موردنیاز شده است.

۳- هرگونه تهدیدی نسبت به امنیت منطقه خلیج فارس اثر منفی و سریعی بر عرضه نفت دارد. به گونه ای که هرگونه اقدام تروریستی، بحران، مناقشه و جنگ می تواند موجب به خطر افتادن امنیت انرژی جهان شود. به رغم تمام تلاش قدرت های بزرگ از جمله ایالات متحده و اتحادیه اروپا همچنان منطقه خلیج فارس با بی ثباتی همراه است. به عنوان مثال هرگونه خلل در جریان عرضه انرژی از طریق تنگه هرمز می تواند به بحرانی فراگیر در جهان تبدیل شود. «براساس آمار ارایه شده در سال ۲۰۱۱ بخش عمده تولید روزانه نفت کشورهای خلیج فارس در حدود ۱۷ میلیون بشکه و در سال های ۲۰۰۹-۲۰۱۰ روزانه حدود ۱۶-۱۵/۵ میلیون بشکه نفت از تنگه هرمز عبور کرده است. این میزان حدود ۲۰٪ از کل نفت تولیدی روزانه جهان است.» (۳۳)

۴- شورای همکاری خلیج فارس شکایت دارد که طرف اروپایی بیشتر به آنها به عنوان منبع انرژی نگاه می کنند در حالی که شورا خواهان یک مشارکت استراتژیک گسترده تر و در نتیجه آزادی عمل بیشتر در قبال ایالات متحده به ویژه در زمینه منازعه اعراب-اسرائیل هستند. (۳۴)

۵- ذخایر انرژی ایران (نفت و گاز) و موقعیت و کیفیت این منابع، مسیرهای انتقال انرژی و نیز میزان بالای ذخایر ایران در دو دهه آتی موجب جلب توجه اتحادیه اروپا و افزایش سرمایه گذاری آن در بخش انرژی ایران به ویژه از اواخر دهه ۹۰ میلادی شد. اما مناقشه بر سر پرونده هسته ای ایران موجب کاهش صادرات نفت ایران به اروپا و اتخاذ تصمیم برای تحریم در صنعت نفت ایران از سوی اتحادیه اروپا شد. از سوی دیگر این اقدام با قطع جریان نفت صادراتی ایران به برخی کشورهای اروپایی همزمان شد و این خود به افزایش قیمت نفت منجر شده و موجب تهدید نسبت به امنیت انرژی اتحادیه اروپا گردیده است.

۶- با وجود تمام تلاش ها و اقدامات اتحادیه اروپا در توسعه روابط و افزایش نفوذ بر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و به رغم اثربخشی نسبی این فعالیت ها، شورا و کشورهای عضو همچنان تحت نفوذ و سیطره ایالات متحده بوده و در مسایل سیاسی و امنیتی که سایر موضوعات را متأثر از خود می

سازد، از این کشور اثر بیشتری می پذیرند.

۷- تاکید اتحادیه اروپا بر موضوعاتی چون اصلاحات سیاسی، پیشبرد دموکراسی و حقوق بشر به عنوان مانعی در گسترش همکاری میان اتحادیه-شورا مطرح است. البته نیاز متقابل این دو سازمان منطقه ای به یکدیگر در برخی موارد به کمرنگ شدن ملاحظات اروپا و در مقابل همراهی اتحادیه با شورا در برخی مسایل و بحران های منطقه ای و بین المللی شده است.

۸. تاثیر همکاری های اتحادیه اروپا-شورای همکاری خلیج فارس بر ایران

ایران با برخورداری از ۱۵۱,۱۷۰ میلیارد بشکه نفت معادل ۱۱,۲۵ درصد ذخائر نفت جهان و ۲۹,۶۱ تریلیون متر مکعب گاز معادل ۱۵,۸ درصد ذخائر گاز جهان، جایگاهی مهم در میان کشورهای تولید کننده انرژی دارد. این ذخائر فرصت هایی برای کشور در عرصه اقتصاد جهانی و تامین انرژی مورد نیاز جهان فراهم کرده است. به همین دلیل پس از روابط پر فراز و نشیب میان جمهوری اسلامی ایران و غرب، با پیگیری رویکرد تنش زدایی و اعتمادسازی در سیاست خارجی ایران پس از پایان جنگ به ویژه در دوران ریاست جمهوری سید محمد خاتمی، همکاری اقتصادی میان ایران و کشورهای اتحادیه اروپا افزایش یافت. از جمله این حوزه ها، موضوع انرژی بود. در این چارچوب یک گروه کاری درباره همکاری انرژی میان ایران و اروپا در سال ۱۹۹۹ ایجاد گردید. به رغم فشار ایالات متحده آمریکا و پس از واقعه یازدهم سپتامبر، اتحادیه اروپا در دسامبر ۲۰۰۲ به ایران پیشنهاد یک توافقنامه همکاری و تجارت داد. (۳۵) این پیشنهاد کمیسیون اروپا در چارچوب ارزیابی یک برنامه استراتژیک برای همکاری با ایران در حوزه های انرژی و تجارت بود. در این دوره ایران به عضویت پیمان منشور انرژی درآمد و مذاکراتی در زمینه یک توافق نامه برای سرمایه گذاری و حمل و نقل در بخش انرژی ایران صورت گرفت. (۳۶) با وجود برخی موانع و اختلاف نظرها و جابجایی قدرت در ایران، مذاکرات درباره این توافقنامه از ژانویه ۲۰۰۵ مجدداً از سر گرفته شد و تعامل اروپا و ایران در حوزه انرژی تداوم یافت. اما مناقشه بر سر پرونده هسته ای ایران، تحریم های ایالات متحده و فشار بر اتحادیه اروپا برای همراهی با این تحریم ها، عملاً و به تدریج به ایجاد فاصله میان ایران و اروپا منجر گردید. تصمیم اتحادیه اروپا در جولای ۲۰۱۰ درباره تحریم سرمایه گذاری، همکاری فنی و انتقال فن آوری در بخش نفت و گاز ایران (۳۷) و همچنین

تصمیم اتحادیه در ژانویه ۲۰۱۲ برای تحریم واردات نفت ایران از میانه همین سال با در نظر گرفتن مهلتی پنج ماهه برای برخی کشورهای اروپایی، و همچنین متوقف کردن مبادلات با بخش های پتروشیمی، مالی و بانکی ایران به دلیل عدم توافق غرب با ایران بر سر موضوع هسته ای کشور، به چالشی بزرگ در روابط ایران و اتحادیه اروپا بدل شده است. البته ایران پیش از این تحریم های سیاسی و اقتصادی غرب به ویژه آمریکا را پشت سر گذاشته بود و به رغم فشارهای ایالات متحده بر شرکای اروپایی (از جمله با تصویب قانون داماتو^۱ که هدف آن مجازات شرکت های سرمایه گذار در بخش نفت و گاز ایران بود) که موجب خروج برخی شرکت های غربی از ایران شده بود، سرمایه گذاری در بخش انرژی و خرید نفت از ایران ادامه یافته بود. از جمله مهمترین نمونه ها می توان به «سرمایه گذاری اروپایی ها در پروژه های ایران مانند توسعه میدان گازی پارس جنوبی که بزرگترین میدان ساحلی جهان و بزرگترین پروژه انرژی ایران است» (۳۸) اشاره کرد. اما گسترش مناقشه بر سر موضوع هسته ای ایران و اختلافات سیاسی میان ایران و اتحادیه اروپا باعث گردیده در سال های اخیر نه تنها سرمایه گذاری موثری از سوی شرکت های اروپایی در صنایع نفت و گاز ایران صورت نگیرد، بلکه شرکت های توتال فرانسه، شل انگلستان و ریپسول اسپانیا، قراردادهای سرمایه گذاری خود در میدان های نفتی آزادگان و گازی پارس جنوبی و کارخانه تولید ال.ان.جی را متوقف نموده و یا به طور کلی از این طرح ها کنار بروند. (۳۹) ضمن آنکه تحریم های جدید اتحادیه اروپا در همراهی با ایالات متحده و نیز ترغیب سایر خریداران نفت ایران در شرق آسیا به تحریم نفتی ایران می تواند موجب فشارهای اقتصادی بر ایران شود. البته این امر علاوه بر افزایش قیمت جهانی نفت و نیز به خطر انداختن امنیت انرژی اروپا و جهان (تقاضا) و افزایش وابستگی اروپا به شرکایی چون روسیه که مطلوب اتحادیه نخواهد بود، چالش به امنیت انرژی ایران (عرضه) نیز محسوب می شود. چرا که ایران همچنان در زمره کشورهای دارای اقتصاد تک محصولی و متکی به درآمد نفت می باشد و هرگونه افزایش و کاهش در تولید و صادرات نفت ایران و نیز درآمدهای حاصله از آن می تواند آثار مثبت یا منفی گسترده ای برای کشور داشته باشد. تقابل میان اروپا و ایران که در حوزه انرژی گسترش یافته از این منظر اهمیت دارد که ایران به رغم نقش فرعی کنونی در صادرات انرژی به اروپا، با توجه به آینده بازار انرژی و افزایش مصرف و کاهش

^۱ - The Iran Sanction Act: ISA

عرضه، قابلیت ایفای نقش مهمتری به ویژه در حوزه گاز طبیعی برای اروپا و تامین امنیت انرژی اتحادیه دارد. و از سوی مقابل تحریم های اروپا در زمینه سرمایه گذاری، واردات نفت، انتقال فن آوری، منع شرکت های بیمه اروپایی از بیمه نفتکش های حمل کننده نفت صادراتی ایران و... می تواند پیامدهای منفی فراتر از تعاملات اتحادیه اروپا با ایران داشته باشد.

اهمیت نفت در تولید ناخالص داخلی (مطابق آمار بانک مرکزی بین ۲۵ تا ۲۹ درصد)، اهمیت درآمد ارزی نفت به عنوان مهمترین منبع درآمد ارزی کشور (بین ۸۱ تا ۸۳ درصد از مجموع درآمد ارزی کشور در سال های اخیر)، نقش مهم آن در بودجه عمومی دولت (نسبت درآمد نفت به مجموع هزینه های جاری و عمرانی بودجه در سال های اخیر بین ۶۰ الی ۶۶ درصد بوده است) و نقش نفت بر حضور کشور در صحنه بین المللی است، که تضعیف یا تقویت موقعیت نفتی کشور می تواند موجب کاهش یا افزایش وزن بین المللی و جایگاه و اهمیت کشور شود. (۴۰) از این رو از منظر ایران مهمترین شاخص های امنیت انرژی که عبارت است از تداوم تقاضای انرژی، تداوم و افزایش سطح سرمایه گذاری در بخش های نفت و گاز کشور و تداوم دستیابی به بازارهای بین المللی فروش انرژی و تنوع بخشی به آن، با چالش مواجه می شود به همین دلیل هوشیاری و تدبیر متولیان امر می تواند نه از پیامدهای منفی حاصله بکاهد، بلکه دستاوردهای مثبتی را نیز به همراه داشته باشد. چرا که تحریم ها و اقدامات غرب و اتحادیه اروپا علیه بخش انرژی ایران از یکسو و مانع تراشی در پروژه های توزیع و ترانزیت از طرف دیگر، می تواند به تضعیف موقعیت انرژی ایران در اقتصاد جهان منجر شود.

آغاز خروج شرکت های اروپایی از صنعت نفت و گاز ایران و عدم سرمایه گذاری اروپا در بخش انرژی ایران، اگر چه با مساله سود شرکت های اروپایی و امنیت انرژی اروپا در میان مدت و بلند مدت (به واسطه ذخائر آینده، باثباتی و قابل اعتماد بودن ایران در قیاس با روسیه و کشورهای خاورمیانه، هزینه کمتر صادرات، تنوع مسیر ترانزیت و...) سازگاری چندانی ندارد، اما گسترش تحریم ها در بخش انرژی و توقف خرید نفت از ایران و نیز ترغیب شرکای تجاری به اتخاذ رویکردی مانند اتحادیه، نمی تواند بی ارتباط با تعاملات اتحادیه اروپا با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس باشد. چرا که به واسطه مواضع ضد ایرانی، این شورا خود از مشوقان اروپا برای تحت فشار قرار دادن ایران بوده است. در این راستا می توان به دیدارهای مکرر مقامات شورای همکاری خلیج فارس با مقامات اروپایی اشاره

کرد. از جمله این دیدارها ملاقات دبیرکل شورای همکاری خلیج فارس با مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در فوریه ۲۰۱۲ با دو دستور کار مساله سوریه و مساله تحریم نفت ایران و تهدید ایران به بستن تنگه هرمز بود. پس از این ملاقات عنوان شد که اروپا تضمین های کافی را از کشورهای عربی برای تامین نفت مورد نیاز خود دریافت کرده است. ضمن آنکه مقامات شورای همکاری خلیج فارس نیز با مهم دانستن امنیت انرژی بر لزوم اقدامات مشترک برای اطمینان از دریافت نفت از سوی دوستان و متحدان خود سخن گفتند. (۴۱) آمادگی عربستان برای جایگزینی نفت خود به جای ایران نیز در این راستا مطرح شده است. از جنبه های عملی و مقدمه اجرای این برنامه می توان به توقف خرید نفت ایران از سوی شرکت توتال فرانسه از اواخر سال ۲۰۱۱ یعنی ۶ ماه پیش از اجرای تحریم های نفتی اتحادیه اروپا و اعلام واردات نفت از عربستان به عنوان جایگزین نفت ایران اشاره کرد. (۴۲)

بنابراین به عنوان پیامد مستقیم گسترش همکاری های اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس در حوزه انرژی می توان به تسهیل روند فشار بر ایران از طریق گسترش تحریم ها در بخش های نفت و گاز کشور اشاره کرد. یعنی توسعه روابط اتحادیه و شورا در حوزه انرژی (افزایش تقاضای انرژی، افزایش سرمایه گذاری، سرعت در بهره برداری از میادین مشترک کشورهای شورا با ایران، انتقال تکنولوژی نوین صنعت انرژی، پیش بینی مسیرهای ترانزیت جایگزین و...) موجب تسهیل در تحریم صنعت نفت و گاز ایران در اشکال مختلف آن (خرید نفت، سرمایه گذاری، ترانزیت و...) می گردد. البته این امر از یکسو برای ایران با توجه به وابستگی کشور به درآمدهای ارزی نفت موجب آسیب پذیری اقتصاد کشور و عقب ماندن از کشورهای همسایه شده و از سوی دیگر دارای پیامد منفی برای اقتصاد جهان و اروپا از منظر تهدید امنیت انرژی در شرایط کمبود عرضه و فراوانی تقاضا و نیز افزایش بهای انرژی می باشد.

نتیجه گیری

منطقه خلیج فارس از اهمیت بسیاری در معادلات بین المللی برخوردار است. این منطقه علاوه بر برخورداری از ۵۹٪ ذخایر نفت جهان و ۴۱٫۳٪ ذخایر گاز جهان که آن را به بزرگترین منطقه برخوردار جهان از نظر منابع انرژی و یکی از صادر کنندگان مهم نفت بدل کرده است، بازاری مهم برای صدور

کالا به واسطه درآمدهای حاصل از صادرات انرژی می باشد. اهمیت ذخایر عظیم انرژی در خلیج فارس موجب پیوند میان امنیت این منطقه با امنیت جهانی به ویژه در حوزه اقتصاد بین المللی و انرژی جهانی شده است. به همین دلیل این منطقه شاهد حضور قدرت های اروپایی در سده های گذشته و نیز ایفای نقش ایالات متحده از دهه ۷۰ میلادی بوده است. اتحادیه اروپا که همواره جزو اثرپذیرترین مناطق از بحران ها و چالش های منطقه خاورمیانه و خلیج فارس بوده است، با هدف تقویت ثبات در این منطقه و توسعه روابط سیاسی و اقتصادی در اواخر دهه ۸۰ میلادی به انعقاد موافقت نامه ای با شورای همکاری خلیج فارس اقدام کرد. یکی از حوزه های مهم مورد توجه در رویکرد اروپا به خلیج فارس موضوع انرژی بوده است. این رویکرد از یک منطق اقتصادی برخوردار است. چرا که اروپا دومین مصرف کننده بزرگ نفت و انرژی در جهان و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از بزرگترین دارندگان منابع انرژی جهان هستند. ضمن آنکه درآمدهای ارزی کشورهای عضو شورا آنها را به یکی از شرکای اقتصادی اصلی اروپا بدل کرده است. آنچه اهمیت منطقه خلیج فارس را افزایش داده، مساله افزایش مصرف و به طور طبیعی تقاضای جهانی نفت در آینده از یکسو و کاهش ذخایر نفت در سایر حوزه های جهان و برخورداری خلیج فارس از ذخایر فوق العاده نفت جهان در سال های ۲۰۲۰ و ۲۰۳۰ است. بنابراین از منظر انرژی روابط و همکاری های دو طرف با زمینه ها و اهداف مشترک مانند تامین امنیت انرژی به لحاظ عرضه و تقاضا، تثبیت قیمت نفت، جریان آزاد نفت، افزایش سرمایه گذاری در صنایع نفت و گاز و پالایشگاه های طرفین، تنوع بخشی به مبادی واردات و صادرات نفت و گاز و... همراه بوده است. ضمن آنکه در این روابط از نگاه هر کدام از دو بازیگر مسایل سیاسی، امنیتی و حتی زیست محیطی نیز مورد توجه بوده است. گسترش روابط میان اتحادیه-شوراعلاوه بر آنکه زمینه ای برای ارتقای جایگاه سیاسی و اقتصادی اتحادیه اروپا و افزایش اثر گذاری بر تحولات بین المللی و منطقه ای در کنار رقیب گذشته یعنی ایالات متحده و رقبای نوظهور مانند هند و چین است، فرصتی برای شورای همکاری خلیج فارس برای ارتقای بازیگری و اثر گذاری خود در اقتصاد و حتی سیاست های منطقه ای و بین المللی از جمله در برابر ایران است. از منظر دیگر این رابطه زمینه ای برای تحقق اهداف اتحادیه اروپا در زمینه تامین امنیت انرژی به لحاظ «گسترش همکاری انرژی با تولیدکنندگان آن» و «تنوع بخشی به منابع انرژی و عرضه کنندگان انرژی» است. اهمیت این حوزه از اولین موافقت نامه میان طرفین مشخص می شود که

از میان دو رکن ایجادى در همکارى اتحادیه-شورا، یکى در حوزه انرژی بود. البته روابط نهادى میان دو طرف در برخى زمان ها به خاطر اختلاف نظر در حوزه های سیاسى (دموکراسى و حقوق بشر)، اقتصادى (عدم توافق بر سر موافقت نامه تجارت آزاد) و... با چالش همراه بوده اما نيات و مقاصد خاص دو طرف از این رابطه در کنار اهداف مشترک زمینه ساز تداوم و گسترش مناسبات گردیده است. ضمن آن که اتحادیه اروپا در رویکرد به منطقه خلیج فارس و از منظر امنیت انرژی از چارچوب های دیگرى مانند مشارکت مدیریتانه، ناتو و آژانس بین المللى انرژی نیز بهره گرفته است. منافع ناشى از معافیت از حقوق گمرکى در صادرات محصولات نفتى اعضاى شورا به اتحادیه، افزایش جذب سرمایه گذارى در بخش انرژی اعضا، استمرار تقاضاى انرژی، انتقال تکنولوژى های نوین و همکارى در زمینه انتقال انرژی و تضمین آن و به طور خلاصه ارتقای امنیت انرژی در نزد تولیدکنندگان آن، از جمله اهداف شورای همکاری خلیج فارس در این رابطه است که تاکنون بخشى از آنها محقق شده است. همچنین شورای همکاری خلیج فارس در رابطه با اتحادیه اروپا و سایر بازیگران منطقه ای و بین المللى اهداف سیاسى در قبال منطقه و على الخصوص ایران تعقیب می کند که مهمترین آن جلب حمایت شرکای شورا از اعضا در برابر موضوعات اختلافى با ایران است و در این رابطه حتى حاضر به پذیرش تعهدات مالى، اقتصادى، امنیتى و سیاسى می باشد.

مناقشه غرب و ایران بر سر پرونده هسته ای این فرصت را برای شورای همکاری خلیج فارس فراهم کرده است تا در این میان به دنبال ارتقای موقعیت خود در منطقه و پیشبرد اهداف خود به ویژه در تقابل با ایران باشد. افزایش میزبانى از سرمایه گذارى های اروپایى در بخش انرژی و پیشنهاد تامین نفت موردنیاز شرکت های نفتى و کشورهای اروپایى در صورت تحریم نفتى ایران رابطه مستقیمی با اعمال تحریم ها علیه کشور ایران دارد. ضمن آنکه شورای همکاری خلیج فارس سعى کرده است در هر اختلاف و مناقشه با ایران از مزایای اقتصادى خود برای جلب حمایت اروپا استفاده کند.

این در حالى است که ایران با برخورداری از ۱۱,۲۵٪ و ۱۵,۸٪ از ذخایر نفت و گاز جهان در ردیف مهمترین دارندگان انرژی جهان قرار دارد. ذخایر انرژی ایران، قابل اعتماد بودن و ثبات ایران در قیاس با کشورهای منطقه خاورمیانه و خلیج فارس و نیز سایر صادرکنندگان انرژی به اروپا، مسیرهای ترانزیت انرژی و ... از جمله مزیت های مهم ایران به عنوان صادرکننده انرژی برای اروپاست. همکارى های

ایران و اروپا که از سابقه ای نسبتاً موفق در دوران ریاست جمهوری محمدخاتمی برخوردار است، می تواند به ارتقای امنیت انرژی از منظر دو طرف منجر شود: از منظر ایران تنوع بازار و تداوم تقاضای انرژی، جلب سرمایه گذاری خارجی، پیشبرد رشد و توسعه اقتصادی، افزایش شرکای اقتصادی، افزایش درآمدهای ارزی و... و از منظر اروپا نیز تنوع بخشی به عرضه کنندگان انرژی و اطمینان از ارتقای امنیت انرژی خواهد بود. طبیعی است که روند معکوس در مساله فوق الذکر، با آسیب پذیری متقابل طرفین همراه خواهد بود. اعمال تحریم ها علیه ایران از سوی آمریکا و اروپا در بخش های نفت و گاز به ویژه در زمینه هایی چون سرمایه گذاری و نیز احتمال تحریم خرید نفت به ویژه از سوی اتحادیه اروپا و ترغیب سایر شرکا به همراهی با این تحریم ها، هرچند به افزایش بهای انرژی و به خطر افتادن امنیت انرژی اروپا و کشورهای صنعتی منجر خواهد شد اما می تواند آسیب هایی نیز برای ایران به همراه داشته باشد. این مساله در کنار آمادگی کشورهای عربی خلیج فارس برای همراهی با غرب و تامین نفت مورد نیاز آنها، با توجه به نقش مهم درآمدهای نفتی در ایران احتمال دارد به چالشی برای اقتصاد کشور تبدیل شود. از منظر سرمایه گذاری نیز این مساله منجر به عقب ماندن ایران در توسعه و بهره برداری از میدانی انحصاری و مشترک با همسایگان عرب در خلیج فارس شده و به فرسودگی صنعت نفت و کاهش تولید می انجامد. از این رو تغییر شرایط حاکم و تدبیر مسوولان امر در بهبود و قاعده مند کردن مناسبات ایران با غرب علی الخصوص در پیشبرد سازنده مذاکرات هسته ای با گروه ۵+۱، برای جلوگیری از چالش های مورد اشاره ضروری به نظر می رسد. ضمن آنکه در حالی گسترش روابط اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس در شرایط تیرگی روابط ایران با این دو بازیگر به تسهیل روند فشار بر کشورمان از طریق تحریم صنعت نفت و گاز منجر می شود، بهبود مناسبات و روابط ایران با غرب ضمن تامین منافع متقابل طرفین و تنزل موقعیت، جایگاه و اثر گذاری شورای همکاری خلیج فارس به لحاظ سیاسی، به ارتقا و تثبیت موقعیت ایران در عرصه سیاست و اقتصاد جهان به ویژه از منظر انرژی خواهد انجامید.

منابع

1- Daniel Yergin, **The Quest: Energy, Security, and the Remaking of the Modern World** (USA: The Penguin Press, 2011), P. 266.

۲- میرطیب موسوی، **مسائل سیاسی اقتصادی جهانی نفت** (تهران: نشر مردمسالاری، ۱۳۹۰)، ص ۲۷۷.

۳- عباس ملکی، «امنیت انرژی و درس هایی برای ایران»، **فصلنامه راهبرد یاس**، زمستان ۱۳۸۶، شماره ۱۲، ص ۲۰۹.

۴- حسین مهدیان و جلال ترکاشوند، **انرژی و امنیت ملی ایران**، (تهران: نشر انتخاب، ۱۳۸۹)، ص ۱۷.

5- **Op Cit**, PP. 266-267.

6- GREEN PAPER: Towards a European strategy for the security of energy supply, **EUROPEAN COMMISSION**, November 2000, P. 4, at:

http://ec.europa.eu/energy/green-paper-energysupply/doc/green_paper_energy_supply_en.pdf.

7- GREEN PAPER: A European Strategy for Sustainable, Competitive and Secure Energy, **Commission of the European Communities**, Brussels, 8. 3. 2006, p.19-20, at:

http://www.europa.eu/documents/comm/green_papers/pdf/com2006_105en.pdf

۸- موسوی، **پیشین**، ص ۳۰۱.

9- BP Statistical Review of World Energy, **BP**, June 2011, P.9, at:

http://www.bp.com/liveassets/bp_internet/globalbp/globalbp_uk_english/reports_and_publications/statistical_energy_review_2011/STAGING/local_assets/pdf/statistical_review_of_world_energy_full_report_2011.pdf.

10- Geopolitics of EU energy supply, **Euractiv**, 10 January 2007, at:

<http://www.euractiv.com/energy/geopolitics-eu-energy-supply/article-142665>

11- Key Figure, Market Observatory for Energy, **European Commission**, June 2011, P. 6, at:

http://ec.europa.eu/energy/observatory/eu_27_info/doc/key_figures.pdf.

12- **Op. Cit.**, P.11.

13- Paul Belkin, **The European Union's Energy Security Challenges**, Report for Congress, January 30, 2008, P.2, at:

<http://www.fas.org/sgp/crs/row/RL33636.pdf>.

۱۴- واعظی، محمود، **نفت و سیاست خارجی**، (تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۹)، ص ۱۳۸.

15- Key Figure, **Op. Cit.**, P. 7.

۱۶- «اتحادیه اروپا تحریم خرید نفت از ایران را بررسی می‌کند»، ۲۴ نوامبر ۲۰۱۱، **بی بی سی**، در:

http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2011/11/111124_110_eu_to_ban_iran_oil_import.shtml.

17- Gerd Nonneman, **EU-GCC Relations: Dynamics, Patterns & Perspectives**, (UAE, Dubai: the Gulf Research Center, 2006), P. 17.

18- EU-GCC Cooperation Agreement, **European Commission**, 1989, P.3, at:

http://trade.ec.europa.eu/doclib/docs/2008/september/tradoc_140300.pdf.

۱۹- واعظی، پیشین، ص ۱۲۴..

۲۰- موسوی، پیشین، ص ۳۰۴.

21- The OPEC Annual Statistical Bulletin 2010/2011, **OPEC** (Austria, Vienna:

2011), P.22, at:

http://www.opec.org/opec_web/static_files_project/media/downloads/publications/ASB2010_2011.pdf.

22- Steffen Hertog, **EU-GCC Relations in the Era of the Second Oil Boom** (Germany-Munich: C.A.P Working Paper, December 2007), P. 5, at:

http://www.cap.lmu.de/download/2007/2007_hertog.pdf.

23- **European Commission**, EU Crude oil imports, 2007-2011, at:

http://www.ec.europa.eu/energy/observatory/oil/import_export_en.htm.

24- Richard Youngs, **Energy Security. Europe's New Foreign Policy Challenge** (London: Routledge, 2009), P.63.

25- Giacomo Luciani, Energy Policies in the European Union, at: **Risk and Uncertainty in the Changing Global Energy Market: Implications for the Gulf** (UAE: Emirates Center for Strategic Studies and Research, 2004), PP. 120-121.

۲۶- نیوین صالح، «اتحادیه اروپا و کشورهای حوزه خلیج فارس: مشارکت رو به گسترش»، ترجمه شراگیم شمس عراقی، **کتاب اروپا**، انتشارات مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۲، شماره ۲، ص ۲۳۷.

27- Ana Echagüe, **The European Union and the Gulf Cooperation Council**, Fride, Working Paper, No.39, May 2007, P. 12, at:

www.fride.org/download/WP39_EU_Persian_Gulf_EN_may07.pdf.

28- Youngs, **Op. Cit.**, P. 65.

29- A. Papadopoulou, H. Doukas, C. Karakosta, I. Makarouni, R. Ferroukhi, G.

Luciani, J. Psarras, Tools and mechanisms fostering EU GCC cooperation on Energy Efficiency, **Policy Issues**, World Renewable Energy Congress, Sweden, 2011, PP.2309-2310, at:

http://www.ep.liu.se/ecp/057/vol110/004/ecp57vol110_004.pdf

30- **Ibid**

31- Giacomo Luciani, Felix Neugart, **The EU and the GCC - A New Partnership**, European University Institute and The Robert Schuman Centre for Advanced Studies, Policy papers, No.07, Italy, 2002, PP. 6-7, at:

http://www.eui.eu/RSCAS/WP-Texts/02_07p.pdf.

۳۲- صالح، پیشین، ص ۲۳۴.

33- World Oil Transit Checkpoints, **U.S. Energy Information Administration**, 30 December 2011, at:

http://www.eia.gov/EMEUCabs/World_Oil_Transit_Chokepoints/pdf.pdf.

34- Youngs, **Op. Cit.**, P. 65.

35- **Op. Cit.**, PP. 69-70.

36- Friedemann Müller, Why Iran Is Key for Europe's Security of Energy Supply, at: Johannes Reissner and Eugene Whitlock, **Iran and Its Neighbors: Diverging Views on a Strategic Region** (Berlin: SWP Stiftung Wissenschaft und Politik, 2003), PP. 65-66.

37- Kenneth Katzman, **Iran Sanctions**, Congressional Research Service, March 2012, P. 12, at: <http://www.fas.org/sgp/crs/mideast/RS20871.pdf>.

۳۸- حمید حسینی و مرتضی باقیان، تسلط روسیه بر بازار انرژی اتحادیه اروپا و مخالفت این کشور

_____ بررسی روابط اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس از منظر امنیت... ◇

با عرضه انرژی ایران به اروپا، در: واعظی، محمود، **نفت و سیاست خارجی**، (تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۹)، ص ۴۷۴.

۳۹- مهدیان و ترکاشوند، **پیشین**، ص ۹۸.

۴۰- عادل، سیدمحمدحسین، تحریم اقتصادی و اثر آن بر نفت، در: واعظی، محمود، **نفت و سیاست خارجی**، (تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۹)، صص ۵۳۸-۵۳۶.

41- GCC Calls For Keeping Strait of Hormuz Open "At All Costs", **RTT News**, 2/1/2012, at: <http://www.rttnews.com/1809869/gcc-calls-for-keeping-strait-of-hormuz-open-at-all-costs.aspx>.

۴۲- «توتال نفت ایران را با عربستان جایگزین کرد»، ۲۳ بهمن ۱۳۹۰، **دیپلماسی ایرانی**، در:

<http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/58/bodyView/1897867>.